

مقاله علمی پژوهشی

تأثیر و حدود قاعده احسان در میزان مسئولیت مدیر مال غیر و بررسی تطبیقی با حقوق کامن لا

حسین ولیپوری^۱، سید ابراهیم موسوی^{۲*}، هنگامه غضنفری^۳، جمشید میرزایی^۴

۱. دانشجوی دکتری گروه حقوق خصوصی، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم‌آباد، ایران

۲. استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم‌آباد، ایران

۳. استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم‌آباد، ایران

۴. استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم‌آباد، ایران

(دریافت: ۱۳۹۵/۰۴/۳۱ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۱۱)

The Effect and Limits of the Rule of Bona Fide on the Level of Responsibility of Property of Another Managers in Iranian and Common Law**Hossein Valipoori¹, Seyed Ebrahim Moosavi^{2*}, Hengameh Ghazanfari³, Jamshid Mirzaei⁴**

1. Ph.D. Student of Private Law Department, Khorramabad Branch, Islamic Azad University, Khorramabad, Iran

2. Assistant Professor of Private Law Department, Khorramabad Branch, Islamic Azad University, Khorramabad, Iran

3. Assistant Professor of Private Law Department, Khorramabad Branch, Islamic Azad University, Khorramabad, Iran

4. Assistant Professor of Private Law Department, Khorramabad Branch, Islamic Azad University, Khorramabad, Iran

(Received: 21/Jul/2016)

Accepted: 01/Jun/2021)

Abstract

The principle of independence and domination of individuals, as well as the absence of guardianship over the affairs of others, requires that every person normally interfere and seize only his own property or affairs, and is not allowed to interfere in the affairs of others. Since managing and interfering in the affairs of others is a situation contrary to the rule and principle, the Iranian legislator has accepted the management of property of another under certain conditions in Article 306 of the Civil Code. Given that the management of non-exceptional property is based on the principle of non-guardianship over the property of others, if there is a damage to the owner of the property in the process of other property management, how and to what extent invoking and relying on the rule of bona fide affects the responsibility of the unauthorized manager? This study based on the method of rational analysis in Iranian law and common law reached this conclusion, in cases where the manager intended to repay losses from the property of others and in this regard, the out of fault loss is applied to the owner, according to the rule of bona fide, the unauthorized manager is released from responsibility.

Keywords: Property of Another Management, Responsibility, Bona fide, Limits of the Effect of the Rule.

چکیده

اصل استقلال و تسلیط اشخاص و همچنین عدم ولایت بر امور دیگران اقتضاء دارد. هر شخص به طور معمول صرفاً در اموال یا امور خود دخالت و تصرف نماید و مجاز به دخالت در امور دیگران نیست. از آنجا که اداره و دخالت در امور دیگران، وضعیتی خلاف قاعده و اصل است، قانونگذار ایران در ماده ۳۰۶ قانون مدنی، اداره مال غیر را تحت شرایطی پذیرفته است. با توجه به اینکه اداره مال غیر استثنایی بر اصل عدم ولایت بر اموال دیگران است، چنانچه در روند مدیریت مال غیر خسارتی به مالک مال وارد آید، استناد و تکیه بر قاعده احسان چگونه و تا چه میزان مسئولیت مدیر فصولی را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟ این پژوهش براساس روش تحلیل عقلانی در حقوق ایران و کامن لا به این نتیجه دست یافت، در مواردی که قصد مدیر دفع ضرر از اموال دیگران بوده و در این راستا زیان خارج از تقصیر، متوجه مالک گردد، به موجب قاعده احسان مدیر فصولی از مسئولیت بری می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: اداره مال غیر، مسئولیت، احسان، حدود تأثیر قاعده.

مقدمه

در مواردی که مالک مال، راساً قادر به دسترسی جهت اداره اموال خویش نیست و توانایی اعطای نیابت جهت حفظ مال به دیگری را ندارد، چنانچه حفاظت و نگهداری از آن مال ضرورت یابد، در این صورت هر شخص می‌تواند اقدام به اداره مال او نماید که این امر در حقوق ما تحت عنوان اداره مال غیر نام گرفته است. از نگاه فقهی اصل کلی و اولی در مورد اموال، عدم جواز تصرف اشخاص در اموال دیگران است، گاهی این اصل با وجود علت خاصی تخصیص می‌خورد و علت آن اصولاً اجازه مالک یا اجازه قانون است. ماده ۳۰۶ قانون مدنی از موارد خروج از این اصل به شمار می‌آید که از لحاظ فقه اسلامی دارای مبانی شرعی و عقلی است. از منظر قانون بدون احراز سبب معین، هیچ‌گونه تعهد و قاعده‌ای برای اشخاص، مبنی بر جلوگیری از ضرر یا کسب منفعت در مورد اموال دیگران وجود ندارد، اما انسان با توجه به خصوصیت ذاتی خویش راضی به ورود زیان به دیگران نیستند و در چنین مواقعی اقدام به مواظبت مال غیر می‌نمایند. در چنین شرایطی اگر شخص در راستای اداره مال غیر متحمل هزینه‌ها و نیز در مواردی باعث ورود خسارت به مالک یا خویش گردد، مسئولیت حادث شده، بدون وجود سبب قراردادی به وجود آمده و ضمان قهری تلقی می‌گردد. برای جلوگیری از ایجاد مسئولیت به وجود آمده بر ذمه شخص مواظب و سقوط ضمان قهری، قاعده احسان در چنین حالتی با حصول شرایطی قادر به ایفای نقش است، مقصود از قاعده این است که هر گاه شخصی به انگیزه احسان و نیکی به دیگران موجب ورود خسارت به مالک مالی شود عمل او ضمان آور نیست. طبق مطالعات صورت گرفته، تاکنون پژوهشی که به مسئولیت‌های خاص شخص مدیر فضولی با تکیه بر تأثیر قاعده احسان پرداخته و حدود جاری نمودن این قاعده نسبت به اعمال شخص مدیر فضولی را تشریح نموده باشد، صورت نگرفته است و غالباً به کلیات در باب اداره مال غیر اشاره شده است، از این‌رو نویسندگان به بررسی و تحلیل شناخت مسئولیت مدیر مال غیر و حدود تأثیر قاعده احسان بر میزان مسئولیت مدیر مال غیر بطور خاص و منسجم می‌پردازد.

مفهوم اداره مال غیر

یکی از عناوین خاص که در قانون مدنی، موجب مسئولیت مدنی تلقی گردیده، اداره مال غیر است. ماده ۳۰۶ قانون مدنی در این باب مقرر داشته است «اگر کسی اموال غایب یا محجور و امثال آنها را، بدون اجازه مالک یا کسی که حق اجازه دارد، اداره کند،

باید حساب زمان تصدی خود را بدهد. در صورتی که تحصیل اجازه در موقع، مقدور بوده یا تأخیر در دخالت موجب ضرر نبوده است، حق مطالبه مخارج نخواهد داشت، ولی اگر عدم دخالت یا تأخیر دخالت، موجب ضرر صاحب مال باشد، دخالت کننده مستحق اخذ مخارجی خواهد بود که برای اداره کردن لازم بوده است». تأسیس اداره مال غیر در قانون ایران، برگرفته از مواد ۱۳۷۵-۱۳۷۲ قانون مدنی فرانسه است که در آنجا *gestion d'affaires* نام دارد، مضافاً اینکه چنین نهادی در فقه امامیه تحت عنوان نهاد ولایت مؤمنین، که از عناوین مشابه است، ریشه دارد و بر مبنای آن، غیر مالک اختیار انجام تصرف ضروری برای حفظ مال غایب یا محجور را خواهد داشت. قاعده اضطرار (الضرورات تبیح المحضورات) ضرورت مداخله مدیر را موجه می‌سازد (خندانی، ۱۳۹۵: ۱۱۱) در زندگی اجتماعی گاهی نیاز پیدا می‌شود به اینکه کسی در باب مصالح غیر از خود، اقدام کند (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۱: ۱۷۶/۱). در حقوق انگلستان مفهوم اداره مال غیر عبارت است از یک رابطه امانی برای اداره اموال، توسط فردی است که حق مالکیت منصفانه بر اموال را دارد و برای سودآوری شخص دیگری به آن اموال رسیدگی می‌کند (Tomas & Leonard, 2003: 4). همچنین ضرورت اداره برای موجه نمودن دخالت مدیر لازم است و تشخیص این ضرورت با نظم عمومی است (Virgo, 1999: 302). یکی از صاحب‌نظران معتقد است، هر تصرفی که انجام آن مطلوب قانونگذار است، اگر امکان دسترسی به فقیه نباشد، هر مؤمنی می‌تواند آن را انجام دهد. (انصاری، ۱۴۱۰: ۵۱/۲) روشن است که در فقه امامیه نیز جواز یا لزوم انجام تصرفات ضروری، نسبت به مال یا شخص از مسلمات است. گرچه ماده ۳۰۶ قانون مدنی از حقوق مدنی فرانسه اقتباس شده، ولی در فقه اسلامی نیز موضوع ماده پشتوانه شرعی و عقلی دارد و مطابق با قواعد و اصول حقوق اسلامی است. از نظر حقوق اسلام جواز اداره مال غیر، براساس نهاد کلی و عمومی امور حسبیه قابل توجیه است. در حقوق اسلامی هر کاری که از نظر شارع با اهمیت بوده و رها کردن و ترک آن به هیچ وجه مورد نظر شارع نباشد از جمله اموری تلقی می‌شود که به هر وسیله ممکن باید مورد رسیدگی و اداره قرار گیرد (ره‌پیک، ۱۳۸۸: ۱۸) در حقوق انگلستان نهادی به نام سازمان خیریه وجود دارد که اموال دیگران را اداره می‌کند این سازمان به تعداد کافی کارمند و امین دارد که اموال دیگران را به آنها می‌سپارد تا از آنها محافظت و نگهداری نمایند، این سازمان کارمندان و امین‌های خویش را آموزش داده تا تعهدات و زیان‌های احتمالی را به حداقل برساند، آنها باید تمام تلاش

به مالک ساخته است. بدین ترتیب، اداره فصولی عمل حقوقی است که به اعتبار انعقاد یک طرفه و از نظر آثار دو طرفه است (Josserand, 1448: 2273). این نظر قابل نقد است، مدیر به قصد ایجاد تعهد برای خود اقدامی نمی‌کند و هدفش اداره مال غیر به سود اوست و این قانونگذار است که الزام‌هایی را بر مدیر فصولی تحمیل می‌کند. به همین دلیل نیز او گریزی از تحمیل آنچه قانون معین کرده است ندارد (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۲۸۳). عمل حقوقی یک‌جانبه نمی‌تواند برای دیگری ایجاد تعهد کند در حالی که در اداره فصولی، مالک هم تعهداتی پیدا می‌کند (حیاتی، ۱۳۸۰: ۱۸۸).

ج) نظریه نمایندگی اضطراری^۱: اداره اموال غیر در حقوق نوشته، نوعی شبه عقد که عموماً مبتنی بر قاعده دارا شدن غیر عادلانه می‌باشد دانسته شده است. اما در حقوق کامن‌لا و خصوصاً انگلستان این بحث براساس قاعده نمایندگی اضطراری توجیه شده است. براساس این قاعده چنین فرض می‌گردد که شخص در شرایط اضطراری و فوق‌العاده بطور ضمنی قدرت انجام عمل بعنوان نماینده صاحب مال را داراست، بطور مثال متصدی حمل و نقل در مورد کالاهای فاسد شدنی اختیار فروش در شرایط اضطراری را خواهد داشت. در باب اموال، اصولی حاکم است که به مناسبت موارد و شرایط مختلف، تقدم و تأخری در بین این اصول حاصل می‌گردد، اصل کلی و اولی در مورد اموال، عدم جواز تصرف غیر مالک، در هر مالی است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۷۲). گاهی این اصل با وجود علت خاصی کاربرد خود را از دست می‌دهد. این علت به طور عمده، اجازه و اذن مالک یا اجازه قانون می‌باشد، ماده ۳۰۶ قانون مدنی یکی از موارد خروج از این اصل است. در امور واجب، شارع اقدس راضی به اهمال در آنها نیست و نفس آن امور (صرف نظر از شخص یا اشخاص معین) به طور مطلق مطلوب اوست (خمینی، ۱۴۱۵: ۵۱۰). در بعضی موارد به حکم فوریت و ضرورت، شخصی به دستور قانون مجاز است که مانند یک نماینده به سود مالک عملی را که غالباً یک عمل حقوقی است تحت عنوان نمایندگی اضطراری که می‌توان آن را مصداقی از اداره مال غیر دانست انجام دهد (نظری، ۱۳۹۲: ۸۵). همه حقوقدانان بر این امر اتفاق دارند که در صورت فقدان یا عدم دسترسی به مالک، این گونه تصرفات نیازمند اذن حاکم است، که ممکن است این اذن از طریق قانونگذاری عام (ماده ۳۰۶

خود را برای به دست آوردن سود بیشتر به مالکان اموال به کار ببرند (4: Tomas & Leonard, 2003). مدیران امانی افرادی هستند که کنترل و مدیریت اموال دیگران را بر عهده دارند و مسئول اداره مال غیر هستند، عنوان امین یا امانتدار برای چنین افرادی مناسب است؛ زیرا این عنوان امین از خود اعتماد نشأت گرفته است (5: Blake & Groom, 2015).

ماهیت حقوقی اداره مال غیر

در خصوص ماهیت حقوقی اداره مال غیر حقوقدانان نظریات مختلفی را ابراز و ارائه نموده‌اند، شناخت ماهیت این نهاد حقوقی از نظر روابط طرفین و آثار حقوقی مترتب بر آن حائز اهمیت است، بنابراین به بررسی و نقد آنها و همچنین انتخاب نظریه مطلوب که با عدالت حقوقی و قضایی سازگاری بیشتری دارد خواهیم پرداخت.

الف) نظریه شبه عقد وکالت: برخی حقوقدانان ماهیت اداره اموال غیر را وکالت فصولی دانسته‌اند و چنین استدلال نموده‌اند، مداخله کردن در اموال غیر مثل این است که از طرف صاحب مال فصولتاً وکالت نماید و بنابراین بین او و صاحب مال «شبه عقد وکالت» موجود بوده است (عدل، ۱۳۹۴: ۳۳۸). برخی دیگر اداره فصولی اموال دیگران را شبه عقد وکالت تلقی ولی آنرا از وکالت فصولی متمایز گردانیده‌اند و چنین تحلیل کرده‌اند که در وکالت فصولی موکل می‌تواند وکالت را تنفیذ یا رد کند ولی در اداره مال غیر بین اداره کننده و مالک بموجب ماده ۳۰۶ قانون مدنی، بطور غیر ارادی باعث ایجاد تعهد شده و موردی برای رد باقی نماند (امامی، ۱۳۹۰: ۳۵۸/۱؛ مدنی، ۱۳۸۳: ۱۸۹). دخالت اشخاص در اموال غیر، بدون داشتن وکالت و اذن است که نوعی شبه عقد است (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۳: ۲۱). برخی در رد این نظریه عنوان نموده‌اند که چون در اداره مال غیر، منحصراً اراده یا رضایت مدیر در اداره اموال دیگری وجود دارد و رضایت مالک آن اموال مطابق فرض برای این اداره وجود ندارد بنابراین نباید این نهاد حقوقی را از اقسام شبه عقد دانست (شهیدی، ۱۳۸۲: ۱۱۶).

ب) نظریه ایقاع: مطابق این نظریه ایقاع از طرف اداره کننده، مالک را متعهد می‌سازد، به نقل از دکتر کاتوزیان بعضی از نویسندگان معتقدند که، مدیر فصولی به قصد رسیدن به نتیجه خاص اقدام به اداره مال دیگران می‌کند و همین عمل ارادی او سبب می‌شود تا به حکم قانون در برابر مالک تعهدهایی پیدا کند. در واقع او است که برای خود ایجاد تعهد می‌کند. لذا عمل حقوقی او را قانون، موجب تحمیل الزام‌هایی

1. Agency of Necessity

که با حکم قانون و برای اداره انجام می‌پذیرد، امانت قانونی است (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۱: ۴۰۴/۱). ثانیاً، نهاد اداره مال غیر از حقوق فرانسه گرفته شده و در حقوق فرانسه رابطه بین مدیر و مالک یک رابطه‌ی مشروع قلمداد شده است، لذا به استناد ماهیت قانون اصلی، ید مدیر فصولی امانی تلقی می‌گردد. ثالثاً، لزوم دادن حساب به مالک، ظهور در امانی بودن ید مدیر دارد؛ زیرا در ید ضمانتی تعهد مطلق است و نیازی به دادن حساب به مالک وجود ندارد (باریکلو، ۱۳۹۳: ۲۴۳). پس از تحلیل ماهیت حقوقی به این نتیجه رسیدیم که ماهیت مدیر فصولی، یک نوع نمایندگی اضطراری است، با تحقق این نمایندگی، مدیر فصولی به موجب قانون اختیار پیدا می‌کند که با اشخاص ثالث معامله کند، لذا آثار این نمایندگی محدود به رابطه‌ی بین مدیر با مالک نمی‌شود، بلکه رابطه بین مدیر با شخص ثالث نیز متأثر از این رابطه نمایندگی است، بنابراین آثار نمایندگی مدیر فصولی را با مالک و اشخاص ثالث مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱-۱. مسئولیت مدیر در برابر مالک

الف) دادن حساب زمان تصدی: مطابق ماده ۳۰۶ قانون مدنی تنها تکلیفی که بر عهده مدیر قرار نهاده شده، دادن حساب زمان تصدی است این تکلیف در نتیجه قیاس اداره مال غیر با وکالت و از مفاد ماده ۶۶۸ قانون مدنی مقرر شده است. سودمندی این تکلیف بیشتر در جایی کاربرد دارد که مدیر به نام مالک پیمان‌هایی با دیگران منعقد نموده یا اینکه مدیر منافی را بواسطه اداره مال او بدست آورده است که ضرورت دارد مالک از آنها آگاهی داشته باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۲۹۵). مدیر فصولی که به قصد احسان و دفع ضرر از مالک اموال او را اداره کرده است مکلف است حساب زمان تصدی خود را بطور کامل و دقیق به مالک تسلیم کند، این تعهد و الزام مدیر به دادن حساب ریشه قراردادی نداشته ولی قانونگذار او را به منزله نماینده قانونی فرض نموده است (طاهری، ۱۴۱۸: ۲/۳۳۴). در حقوق کامن‌لا، مالک مال مورد اداره توسط دیگران، حق دارد صورت حساب‌های دوره مدیریت اموال خود را از مدیرانی که اموال او را در غیاب ایشان اداره نموده‌اند مطالبه نماید (Tomas&Leonard, 2003: 16). ب) حفاظت از مال: مدیر مال غیر مانند هر امین دیگر باید از تعدی و تفریط خودداری نماید و مالی را که در اختیار دارد در حدود اقتضای عرف از آن مواظبت نماید، اعطای صفت امانت به مدیر فصولی ریشه قانونی داشته و هیچ رابطه‌ی قراردادی با مالک ندارد، لذا

ق.م) صورت گیرد (ره پیک، ۱۳۸۸: ۱۹۹). بنابراین چنانچه مال محجورین و امثال آنها در معرض تلف و ضرر باشد بر همگان لازم است که آن اموال را از تلف حفظ نمایند. دلیل این امر بجز اجماع فقها، آیاتی مانند «ما علی المحسنین من سبیل» (توبه/ ۹۱) و «تعاونو علی البر و التقوی» (مائده/ ۲) و همچنین روایاتی از این باب است که از مجموع آنها قواعدی چون «لزوم حفظ و نگهداری حقوق و اموال دیگران» و مانند آن، اصطیاد شده است (نراقی، ۱۳۷۵: ۲۰۰).

نظر نگارندگان در این باب با توجه به دلایل ذیل مطابق دیدگاه اخیر است: ۱- تجویز فقه اسلامی در باب ورود و همکاری فرد مسلمان در امورات دیگران، در جایی که شخص توان انجام امور خویش را ندارد. ۲- نگاه قانونگذار در ماده ۳۰۶ قانون مدنی، اجازه ورود اشخاص در اداره اموال دیگران را صادر نموده است. ۳- نظریه وکالت برای توجیه این ماهیت، به دلیل اینکه با فوت و محجوریت، رابطه مزبور از بین رفته و مضافاً اینکه ممکن است شخص موکل (مالک) رابطه وکالت متزلزل را تنفیذ ننماید و رابطه ماهیت از بین رود، هر چند که وکالت یکی از مهم‌ترین انواع نمایندگی ارادی است اما نمایندگی با وکالت متمایز است و در همین مورد پژوهش نمایندگی بدون وکالت مصداق پیدا می‌کند. ۴- در وکالت، وکیل هر زمان می‌تواند استعفاء داده و عمل را انجام ندهد اما در اداره فصولی، مدیر حق رها کردن عمل شروع شده را ندارد. ۵- با توجه باینکه مدیر اجازه ورود در مال غیر را از قانونگذار و شارع می‌گیرد بنابراین توجیه ماهیت با ایقاع درست بنظر نمی‌رسد. بنابراین همگی دلایل مذکور، گویای احراز یک رابطه نمایندگی ضمنی است. در نتیجه چنین به نظر می‌رسد، نظریه نمایندگی اضطراری، قرابت بیشتری با مسائل فقهی و حقوقی داشته باشد. علی‌رغم اینکه در قانون مدنی و قاعده اداره مال غیر در حقوق خارجی، بر خلاف مباحث فقهی، الزامی در جهت اداره مال غیر وجود ندارد.

۱. مسئولیت مدیر مال غیر

قبل از بررسی مسئولیت مدیر مال غیر، باید وضعیت تصرف مدیر از باب ید امانی و ضمانتی بودن آن مورد بحث قرار داد، طبق قاعده ضمان هر کس در مال دیگری تصرف نماید ید او ضمانتی می‌باشد، اما در مورد اداره مال غیر، به سبب اینکه قاعده احسان از علی‌البد خروج پیدا نموده است، ید مدیر فصولی امانی است؛ زیرا اولاً، دخالت مدیر در مال غیر به حکم و مجوز قانون است (ماده ۳۰۶ قانون مدنی). این نوع تصرف

موارد مربوط به سازمان خود، با احتیاط و معقول عمل نمایند، زیرا قانون وظیفه مراقبت را بر عهده امین‌ها می‌گذارد و آنها حق بلا تصدی گذاشتن اموال را ندارند، این وظیفه گاهی به صورت اعمال دقت و مهارت‌های لازم در شرایط مختلف است. این وظیفه زمانی سنگین‌تر می‌شود که امانتدار دارای دانش یا تجربه خاصی باشد یا اداره مال دیگری دانش یا تجربه خاص را می‌طلبد (Blake & Groom, 2015: 5).

۱-۲. مسئولیت مدیر در برابر اشخاص ثالث

قرارداد رابطه نسبی بین کسانی است که با هم تراضی کرده‌اند، در نتیجه اثر قرارداد محدود به طرفین قراردادی است و دیگران در مقابل آن قرارداد بیگانه‌اند، با وجود این چون قرارداد پدیده‌ای اجتماعی است، دیگران از آثار آن مصون نیستند، بنابراین مسئولیت و تعهد مدیر در برابر اشخاص ثالث، در فرضی که عمل حقوقی به نام خویش انجام داده است با فرضی که به نام مالک مبادرت به انعقاد قرارداد با دیگران نموده تفاوت می‌کند.

الف) انعقاد قرارداد به نام مدیر: در موردی که مدیر، به نام خود رابطه حقوقی با دیگران در راستای اداره مال غیر منعقد می‌نماید، نسبت به تعهدهای ناشی از آن رابطه در برابر اشخاص ثالث مسئول است هر چند اثبات شود که به حساب مالک است، این عمل حقوقی هیچ ارتباطی با مالک ندارد زیرا قرارداد مربوطه به نحو صحت تنظیم گردیده و نیازی به تنفیذ مالک ندارد (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۲۹۷). اگر مدیر برای اداره مال غیر بنا به ضرورت اقدام به انعقاد قرارداد نماید مطابق ماده ۱۹۶ قانون مدنی که مقرر می‌دارد «کسی که معامله می‌کند آن معامله برای خود آن شخص محسوب است مگر اینکه در موقع عقد خلاف آن تصریح نماید یا بعد خلاف آن ثابت شود» مسئول انجام تعهدات ناشی از قرارداد مدیر فصولی است (باریکلو، ۱۳۹۳: ۲۴۱).

ب) انعقاد قرارداد بنام مالک: چنانچه مدیر فصولی در هنگام انعقاد قرارداد با اشخاص ثالث، تصریح نماید که برای مالک معامله می‌نماید یا بعد ثابت شود که قرارداد را برای او منعقد کرده است مدیر، مسئول انجام تعهدات ناشی از قرارداد موصوف از اموال خویش نیست و مالک باید آن تعهدات را انجام دهد، این حکم از قسمت اخیر ماده ۱۹۶ قانون مدنی مستفاد می‌گردد، زمانی که پیمان به نام مالک بسته می‌شود، مدیر در اجرای آن مسئولیتی ندارد مگر اینکه گرفتن اجازه مالک را در برابر ثالث تعهد کرده باشد یا اجرای مفاد پیمان را از سوی مالک تضمین کند (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۱۸۷/۲). در فرض

قانونگذار او را در حکم امین مالک قرار می‌دهد (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ۲۹۶). اصل کلی در اداره مال غیر آن است که مدیر باید در تصرفات و اقدامات خود مصلحت اصیل را رعایت کند، منظور از مصلحت این است که عمل مدیر علاوه بر اینکه مفسده و زبانی برای مالک نداشته باشد در جهت منافع او باشد (محقق داماد و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۸۲/۲). اگر در اثنای اداره، به مالک مال دسترسی حاصل گردد یا اذن گرفتن از حاکم مقدر شود باید مال را به مالک مال بدهد و نیز ولایت حاکم را بر ولایت خود مقدم بدارد (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۱: ۱۸۰/۱). در حقوق کامن لا، اداره مال غیر توسط مدیر باید متعارف و معقول و به نفع مالک باشد (Virgo, 1999: 306) مدیر مال غیر باید اموال و داراییهای دیگران را که سازمان خیریه در اختیار او جهت اداره قرار داده است را بیمه نماید، این بیمه نیز گاه از خود مدیر در برابر حوادث ناشی از عمل او نیز حمایت می‌کند و در واقع پوششی برای مسئولیتهای وی در قبال مالک می‌باشد (Studd; Cook & Ransford, 2010: 3). ج) انصراف از تصرف: مدیر با تصرف اولیه در مال، حق انصراف از اداره مال را نداشته و بایستی تا زمانی که مال را به متصرف قانونی می‌دهد به اداره خویش ادامه دهد، لذا چنانچه مالی به صورت امانت شرعی در اختیار کسی قرار گرفت حق ندارد آن مال را رها کند (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۲۹۶). آنچه که عرفاً مسلم است این است مدیر فصولی تعهد مواظبت از مال را دارد و نباید مال را رها و بلا تکلیف بگذارد تا طعمه آفات گردد (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۱: ۴۱۷). اداره کننده مال وظیفه ندارد، اداره مال دیگری را که به عهده گرفته ادامه دهد اما چون مدیر، مال را تحت تصرف خود در آورده و ید او امانی تلقی گردیده، لذا باید آن را به مالک یا دادگاه تحویل دهد، چنانچه مال را رها کند و از این باب ضرری وارد شود مسئول است (داراب‌پور، ۱۳۸۷: ۳۲۲). نظر به متعهد شدن مدیر به دادن حساب تصدی دوران مدیریت به مالک و نیز وحدت ملاک از ماده ۱۷۱ قانون مدنی که بیان می‌دارد کسی حیوانات ضاله پیدا نماید حق رها کردن آنرا ندارد و الا ضامن است، مدیر فصولی نیز نمی‌تواند تا زمانی که مال را به مالک، قائم مقام یا حاکم تحویل نداده است آن را رها نماید. در حقوق کامن لا کسانی که مسئولیت نهایی اداره مال دیگران را به عهده دارند چنانچه تمایل داشته باشند که مدیریت را به کسی دیگر واگذار نمایند بایستی اجازه این عمل را از طریق سازمان خیریه داشته باشند (Blake & Groom, 2015: 15). مضافاً، وظیفه اصلی همه امانتداران خیریه تحقق اهداف اداره اموال دیگران است، امین‌ها باید در همه

صورت باید حساب زمان تصدی خود را با مسئولیت مطلق پس بدهد. در این گونه موارد مدیر ید ضمانی و غاصبانه می‌باشد و مادامی که مال را به صاحبش مسترد نموده است مسئول عین و منافع مستوفات و غیرمستوفات است (داراب‌پور، ۱۳۸۷: ۳۱۹). در حقوق کامن‌لا، مداخله با علم به نارضایتی مالک سبب خروج از شمول اداره فضولی مال غیر می‌گردد (Virgo, 1999: 301).

در حقوق کامن‌لا انواعی از تعهدات شخص برای امانتداران یا امین‌های یک سازمان خیریه وجود دارد که یکی از آن تعهدات، مسئولیت در مقابل شخص ثالث است این مسئولیت در دوره مدیریت مال غیر به وقوع می‌پیوندد، بیشتر سازمان‌های خیریه روابط حقوقی با یک شخص ثالث دارند مانند سرمایه‌گذاران، کارمندان یا تأمین‌کنندگان و تمامی روابط حقوقی که تعهد قانونی ایجاد می‌کند میزانی که یک امین به طور شخصی مسئول است به شکل قانونی سازمان (رسمی یا غیر رسمی) بستگی دارد، همه امین‌های سازمان خیریه در مقابل اعمال خلاف قانون همچون خیانت در امانت توسط کمیسیون سازمان‌های خیریه مصون از مجازات نیستند و این اقدام ربطی به شکل قانونی سازمان خیریه ندارد (Tyler, 2013: 2). در حقوق انگلستان تعهدات امین‌ها در دو دسته مدیریتی و اجرایی قرار می‌گیرد، تعهدات مدیریتی ناشی از وظایفی هستند که یک امین دارد، تعهدات اجرایی تعهداتی که برای آنچه سازمان خیریه انجام می‌دهد به وجود آمده است مانند جایی که امین یک مؤسسه غیر رسمی (ثبت نشده) اجاره یک مکان را از طرف سازمان امضاء می‌کند و نمی‌تواند اجاره‌اش را پرداخت کند، برخلاف تعهدات مدیریتی آنها ناشی از وظایف شخص امین نیستند جایی که تعهدات مدیریتی نهایتاً بوجود می‌آیند بستگی به این موضوع دارد که آیا سازمان ثبت شده است یا از نوع دیگر می‌باشد، اگر سازمان خیریه رسمی باشد آنگاه تعهدات اجرایی بر عهده سازمان است و شکل رسمی بودن سازمان خیریه و شخصیت حقوقی آن ریسک‌هایی را که امین با آنها مواجه می‌شود، کاهش می‌دهد، بنابراین قادر است که به نام خود و نه به نام امانتدار، قرارداد ببندد. امانتدار و اعضای سازمان، تعهدات محدودی دارند بنابراین خود سازمان مسئول تعهدات می‌باشد. اگر سازمان غیر رسمی باشد و نتواند تعهدات خود را اجرا کند خود امانتدار مسئول است و اعضای سازمان به خاطر نداشتن شخصیت حقوقی جدا از سازمان مسئول خواهند بود. اگر یک سازمان خیریه غیر رسمی باشد و نتواند تعهدات خود را اجرا کند ممکن است آسیب ببیند اما

یاد شده آیا مالک پایبند به مفاد این قرارداد است و طرف قرارداد می‌تواند به طور مستقیم به او رجوع کند یا اینکه در هر حال مالک در این رابطه قراردادی نقشی ندارد، این سؤال را در دو فرض می‌توانیم پاسخ دهیم، اولاً) در فرضی که مالک پس از آگاه شدن از مفاد پیمان آن را اجازه کند در این صورت معامله فضولی تنفیذ می‌شود و مانند آن است که مدیر به نمایندگی از سوی مالک قرارداد را امضاء کرده است. احکام معاملات فضولی به عنوان قاعده کلی اختصاص به بیع نداشته و شامل کلیه نیابت فضولی در سایر قراردادها هم می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۵۵۱/۲). در فقه امامیه هرگاه مدیر فضولی به نام خود و از طرف اصیل و به حساب وی قراردادی منعقد کند قرارداد مزبور اصیل (مالک) را به طور مستقیم متعهد می‌سازد، هر چند در بعضی موارد ممکن است مدیر فضولی هم در مقابل شخص ثالث مسئول تلقی شود که البته در سیستم حقوقی چنین عقیده‌ای وجود ندارد و در روابط بین نماینده و مالک مسئولیت قراردادی متوجه نماینده می‌گردد، مگر اینکه نماینده در هنگام انعقاد قرارداد نمایندگی داشته و به نمایندگی خویش استناد نماید، بنابراین در قراردادهای که مدیر فضولی با اشخاص ثالث منعقد می‌نماید، چون که از طرف مالک نمایندگی ندارد، باید مسئولیت را متوجه مدیر فضولی کنیم مگر اینکه مدیر فضولی در هنگام انعقاد قرارداد به نمایندگی خویش استناد نموده و بعد از عقد نیز مالک عقد را اجازه نماید تا مسئولیت ناشی از قرارداد متوجه شخص مالک گردد. پس از تنفیذ مالک، عبارات انشایی مدیر فضولی مانند عبارات خود مالک است و بنابراین می‌توان گفت الفاظ و عبارات انشایی مدیر فضولی مانند وکیل است و همانگونه عبارات وکیل بمنزله عبارات موکل تلقی می‌شود، عبارات مدیر فضولی نیز پس از تنفیذ مالک به منزله عبارات مالک است (محقق داماد و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۱۵/۲). ثانیاً) در فرضی که مالک پیمانی را که مدیر فضولی مبادرت به انعقاد آن نموده است اجازه ننماید و انعقاد قرارداد برای اداره مال غیر لازم و ضروری باشد در این صورت مطابق اصول حقوقی نیز نمی‌توان مفاد پیمانی را که مالک در آن دخالتی نداشته بر او تحمیل کرد، بنابراین مدیر فضولی در مقابل شخص ثالث مسئول اجرای تعهدات ناشی از قرارداد است (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۵۵۲/۲).

ج) اقدام مدیر با وجود دستور منع مداخله: اگر مالکی که قادر به اداره نمودن اموال خودش نمی‌باشد و نیز دستور منع مداخله در اموال خودش را نیز صادر نموده باشد، مدیر فضولی حق هیچ گونه دخل و تصرفی در مال غیر را ندارد، در غیر این

یا ارائه خدمت نیکو (تقی‌زاده، هاشمی، ۱۳۹۳: ۱۹۷). احسان از طریق ارائه خدمات مفید یا دفع ضرر مالی یا معنوی از شخص دیگر نیز محقق می‌شود (محقق داماد، ۱۳۷۴: ۳۷۱). مطابق این قاعده، محسن را نمی‌توان به سبب آنچه از عمل او ناشی شده است مواخذه کرد، بنابراین مفاد قاعده‌ی احسان تنها سقوط ضمان ناشی از عمل مدیر بدون تقصیر است (طباطبایی‌یزدی، ۱۳۷۸: ۳۳). مطابق حدیث پیامبر(ص) کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتة، ما را به نوعی تکلیف عمومی و عدم بی تفاوتی نسبت به افراد جامعه رهنمون می‌سازد لذا منطقی و عقلایی نیست که از فرد محسن در حدود مجاز حمایت نکنیم (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۱۱۰). بنابراین آنچه اداره فصولی مال غیر را مشروع می‌سازد قصد احسان و اداره مال به حساب مالک و برای مالک است و همین قصد احسان است که آن عمل را از استیلا نامشروع خارج کرده و در زمره اعمال محترم و مباح در می‌آورد و الا اگر کسی بر مال دیگری استیلا پیدا کند نه به قصد احسان، بلکه به قصد عدوان و تجاوز به حق مالک، در این صورت آن عمل نامشروع و مصداق غضب خواهد بود نه اداره مال غیر (طاهری، ۱۳۷۵: ۳۳۵). مبنای قاعده احسان کتاب (آیه شریفه ۹۱ سوره توبه)، سنت، اجماع و عقل است که چهار دلیل محکم و عمده جهت اثبات قاعده احسان مبنی بر اینکه هر گونه تسلط و مواخذه و عقاب از کسی که کاری نیک انجام دهد برداشته شده است.

۲. شرایط اعمال قاعده احسان

به موجب قواعد کلی، هر کس عملی انجام دهد و در این راستا باعث خسارت به دیگری شود به موجب ادله ضمان، ضامن است و باید جبران خسارت نماید. لیکن اگر این عمل با حسن نیت و قصد و انگیزه خدمت به دیگری صورت گرفته باشد و به طور اتفاقی باعث زیان شود اقدام کننده ضامن نیست. در حقوق کامن‌لا امین (مدیر مال غیر) باید مسؤولانه، منطقی و صادقانه عمل کند، این گاهی حق دوران‌دیشی (شرط عقل) نامیده می‌شود، لذا امین باید مطمئن باشد اموال مورد اداره تنها برای تحقق اهداف آنها انجام می‌شود (Kirkpatrick, 2015: 20) امین‌ها باید روش‌ها و اصول ایمنی مناسبی را در نظر گرفته و گام‌های منطقی را برای تضمین اداره مال غیر بردارند، ریسک را مسؤولانه کنترل کرده و از ریسک‌های ناروا برای اداره مال دیگری جلوگیری نماید و این به این معنی نیست که ریسک نکنید، ولی باید مواظب باشید (Kirkpatrick, 2015: 21) تعدادی از فقهاء قصد

امانتدار خود شخصاً مسئول نیست مگر اینکه شرایطی پیش آید که در وظایفش قصور و خیانت در امانت کرده باشد یا اینکه درگیر تجارت غلط شده باشد و آن این است که این تجارت غلط ناشی از انجام کار است و یا ایجاد بدهی است که یک فرد عاقل متوجه می‌شود که به هیچ وجه سازمان نمی‌تواند به تعهدات آن عمل کند. لازم به ذکر است رسمی بودن سازمان خیریه امین را از همه تعهدات مبری نمی‌کند، قوانینی وجود دارند که اگر امانتدار قانون را نقض کند مسؤول شناخته می‌شود، همچنین است اگر امانتدار مستقیماً اشتباه کند (Studd & Cooke & Ransford, 2010: 2) در حقوق انگلستان یکی از اصول اساسی قانون اداره مال غیر در سازمان‌های خیریه آن است که در صورت عدم مجوز و اختیار از سوی سازمان خیریه، امین نمی‌تواند سود و یا اجرت‌المثل از اداره مال غیر برد زیرا او معمولاً حقوقش را به خاطر عمل به عنوان یک امین دریافت می‌کند بلکه در بسیاری از موارد، امینان داوطلبانه عمل می‌کنند، اگر چه می‌توانند هزینه‌های معقول را به خوبی دریافت کنند (Blake & Groom, 2015: 18).

تأثیر قاعده احسان در میزان مسئولیت مدیر مال غیر

مدیر فصولی در راستای اداره مال غیر، گاهی موجبات زیان برای شخص مالک بوجود می‌آورد، اما چنانچه عمل موجب زیان شخص مزبور به قصد خیرخواهی برای صاحب مال بوده باشد، ممکن است با وجود شرایطی از مسئولیت رهایی یابد. برای جلوگیری از ایجاد مسئولیت مدنی در مورد کسی که این زیان را بوجود آورده است اسبابی وجود دارد که از آنها به مسقطات ضمان قهری تعبیر می‌گردد که یکی از آن اسباب، احسان می‌باشد. بدین معنا که هر گاه شخصی به انگیزه احسان موجب ورود ضرر به شخصی شود عمل او ضمان‌آور نیست، این بحث در فقه تحت عنوان قاعده احسان مطرح شده است. این در حالیست که مطابق قواعد کلی هر کس حتی غیر عمد مال دیگری را تلف نماید ضامن است، لیکن در سایه قاعده احسان، شخص محسن ضامن نیست. به طور خلاصه مفهوم قاعده احسان عبارت است از «زیان حاصل از اعمال محسن فاقد ضمان است» (شفاعی، ۱۳۲۵: ۹۱).

۱. مفاد قاعده احسان

احسان مصدر باب افعال از ریشه «حسن» در لغت به معنای نیکوکاری است، احسان در لغت به معنای انجام دادن عمل نیکو نسبت به دیگری است خواه رساندن مالی به دیگران باشد

احسان را جهت عدم ضمان کافی می‌دانند (اصفهانی، ۱۳۸۲: ۲۷۷). احسان از عناوین قصديه است و بدون قصد محقق نمی‌شود ولی صرف قصد احسان برای تحقق این عنوان کافی نیست، اگر شخصی قصد احسان داشته باشد و عمل او بنابر متعارف احسان محسوب شود و اقدام کننده نیز در بررسی عمل خود تقصیری نکرده باشد و فقط به قصد جلب منفعت به دیگری و یا دفع ضرر از او اقدام کند و بر حسب تصادف قصد او با واقعیت منطبق نشود و در اثر عمل او به محسن الیه ضرری برسد اقدام کننده ضامن نیست (محقق داماد، ۱۳۷۴: ۲۶۳). بسیاری از امینان به نفع خود عمل می‌کنند نه مالک، لذا عنوان محسن بر آنان دشوار است (عمید زنجانی، ۱۳۹۳: ۱۷۹/۱). عده‌ای احسان واقعی را شرط دانسته و قصد شخص را در عمل او دخیل نمی‌دانند (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۲: ۲۷۷/۴). همین که عمل احسان کننده جلوگیری از ضرر کند احسان شکل می‌گیرد (بجنوردی، ۱۳۹۴: ۳۵/۱). نظریه مورد قبول دیدگاه میرفتاح صاحب عناوین است که هم قصد احسان و هم احسان واقعی را لازم دانسته است (مراغه‌ای، ۱۴۱۸: ۴۷۸). به نظر می‌رسد احسان وقتی محقق می‌شود که هم قصد خیر وجود داشته و هم عملی که انجام می‌شود مطابق عمل یک انسان متعارف باشد، چون قصد احسان و احسان واقعی مکمل یکدیگر هستند و هر کدام جدای از هم نمی‌توانند ضمان را ساقط کنند. ممکن نیست شخصی با نیت خیر، ولی روشی نادرست که خارج از روش عقلاء و انسان متعارف است، عملی انجام دهد و ما صرفاً به استناد چنین قصدی، ایشان را ضمان میرا بدانیم. در حالی که هر انسان عاقلی در جای او قرار می‌داشت چنین نمی‌کرد، لذا عملی که او انجام داده خارج از رفتار یک انسان در شرایط عادی می‌باشد و بالعکس چگونه قابل پذیرش است، شخصی با سوء قصد عملی را انجام داده و برحسب اتفاق و ناخواسته عمل او باعث جلوگیری از ضرر شده یا منفعتی را به وجود آورده است به عنوان یک انسان نیکوکار و محسن بشناسیم. پس باید نتیجه گرفت، قصد احسان و احسان واقعی جدای از یکدیگر وجود خارجی ندارند و تنها بر شخصی عنوان محسن صدق کرده که هر دو عنصر قصد احسان و احسان واقعی وجود داشته باشد.

۳. حدود شمول و نفوذ قاعده احسان

هدف از تحلیل بحث مذکور این است که آیا قاعده احسان به عنوان یک قاعده مسقط ضمان با وجود شرایطی که قانونگذار و فقها بیان نموده‌اند، محدود به موارد دفع ضرر از اموال دیگران

است یا اینکه موارد جلب منفعت برای اموال دیگران را نیز در بر می‌گیرد؟ فقها و حقوقدانان در این مورد مسئله دارند که به صورت بسیار ناقص و مجمل به این مسئله پرداخته‌اند، بنابراین با توجه به اهمیت شناخت قلمرو قاعده احسان در میزان مسئولیت مدیر مال غیر و اجرای این قاعده جهت اسقاط ضمانیه بررسی دیدگاه‌های مختلف و جمع‌بندی نظرات آنان خواهیم پرداخت. عده‌ای از فقها و حقوقدانان معتقدند قاعده احسان تنها اختصاص به موارد دفع ضرر از اموال دیگران دارد و موارد جلب منفعت برای دیگران را شامل نمی‌شود، صاحب کتاب عناوین که از طرفداران نظریه دفع ضرر است می‌گوید: «ان قاعده الاحسان یختص بصوره دفع المضرة و لا تشمل صوره جلب المنفعة» یعنی قاعده احسان اختصاص به دفع ضرر دارد و شامل موارد جلب منفعت نمی‌شود (مراغه‌ای، ۱۴۱۸: ۴۷۷). صرف اثبات مفید بودن اقدام مدیر فضولی کافی نیست بلکه باید ثابت شود عدم دخالت یا تأخیر در دخالت موجب ضرر صاحب مال بوده است (بیات، ۱۳۹۴: ۱۷۴). به نقل از آقای دکتر کاتوزیان آقای ژوسران نویسنده فرانسوی در رساله مقدماتی حقوق مدنی خویش معتقد است اقدام مدیر فضولی تنها به قصد احسان و برای دفع ضرر از مالک انجام می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ش ۵۱۷). دخالت در دارایی دیگران باید به منظور دفع ضرر باشد نه جلب منفعت؛ زیرا توجه به این نکته که عدم دخالت و اداره مال غیر، باعث ضرر به صاحب مال خواهد شد همیشه باید مد نظر قرار گیرد (همان: ش ۵۳۵). ماده ۳۰۶ قانون مدنی که مقرر می‌دارد: «... در صورتی که تحصیل اجازه در موقع مقدور نبوده یا تأخیر در دخالت موجب ضرر نبوده است حق مطالبه مخارج نخواهد داشت...» بخوبی مستفاد می‌گردد که امکان دخالت مشروع در اداره اموال دیگران را محدود به دفع ضرر می‌کند.

عده‌ای دیگر از حقوقدانان و فقها معتقد به این امر هستند که قاعده احسان شامل دفع ضرر و جلب منفعت است. احسان عبارت است از دفع ضرر از کسی یا جلب منفعت برای او به قصد نیکی (محمدی، ۱۳۹۴: ۴۴). واژه احسان مطلق است و شامل دفع ضرر و جلب منفعت می‌شود (زراعت، ۱۳۹۴: ۱۳۶). حکم به عدم ضمان احسان یک حکم عقلی است و امور عقلی استثناء پذیر و تخصیص بردار نیستند، لذا هم شامل دفع ضرر می‌گردد و هم جلب منفعت، هر چند در نظر عرف دفع ضرر بیشتر مصداق احسان قرار می‌گیرد (لطفی، ۱۳۸۳: ۲/۱۵۴). گاه شخص محسن فایده یا اعتباری را به صاحب مال می‌رساند و گاه جلوی ضرر مالی یا اعتباری را می‌گیرد در هر دو صورت

ثانیاً رابطه‌ی بین مدیر و مالک یک رابطه‌ی احسانی و مبتنی بر تعاون است که ضامن بودن مدیر با آن منافات دارد. ثالثاً، اگر اصل، در اداره مال غیر را ضمان بدانیم، کسی حاضر به انجام این عمل نیکو نمی‌گردد. رابعاً، مطابق قاعده احسان، آیه شریفه «ما علی المحسنین من سییل» و «هل جزاء الاحسان إلا الاحسان»، چنانچه عمل مدیر به قصد دفع ضرر از مالک باشد مسقط ضمان مدیر است. بنظر می‌رسد با توجه به دلایل ذیل، قاعده احسان قابل تعمیم به موارد جلب منفعت نیست. اولاً: اصل ۲۲ قانون اساسی بیان می‌دارد مال اشخاص از تعرض مصون است، یعنی قانونگذار از مالکیت و آثار آن به عنوان یکی از مهم‌ترین حقوق افراد حمایت کرده است. ثانیاً: مالکیت خصوصی مظهر آزادی فردی و ابزاری برای دفاع از آزادی و توسعه آن است، بنابراین افراد بایستی در مالکیت استقلال داشته و حریم خصوصی آن رعایت گردد. ثالثاً: مالکیت، قدرت و سلطه برای مالک ایجاد می‌کند، این بدین معناست که از تصرفات دیگران جلوگیری به عمل آید، هر چند که این تصرفات هیچ ضرری به حال او نداشته باشد. رابعاً: زمانی که جامعه حق آزادی و مالکیت حاصل از آن را برای افراد قائل است، اگر بخواهد به آن خدشه وارد کند باید دلیل موجه داشته باشد در غیر این صورت اقدامی نامعقول است و هر گونه تعرض و سلب مالکیت از افراد به هر بهانه مخالف حق آزادی در مالکیت است؛ زیرا نهاد مالکیت تضمینی برای خود مختاری فرد است. خامساً: در صورتی قاعده احسان را شامل جلب منفعت بدانیم باید بپذیریم که شخص با قصد احسان می‌تواند در مال دیگری با این غایت که قصد به احسن تبدیل کردن و سود رساندن به مالک را دارد، دخالت کند. معنای این کلام جواز تصرف در مال است که قطعاً با قاعده تسلیط، قاعده لایحل مال مسلم الا بطیب نفسه، اصل استقلال و عدم ولایت، منافات دارد و اینکه مدیر مال غیر، بر خلاف اصول مذکور مبادرت به اداره اموال دیگران می‌نماید، باید براساس ضرورت عمل کرده و جلوگیری از ضرری نماید که قریب الحصول است نه اینکه به قصد جلب منفعت دیگران اقدام به اداره مال غیر نماید؛ زیرا در چنین مواقعی نه تنها ضرورتی در بین نبوده بلکه دخالت در اموال دیگران تلقی می‌گردد. سادساً: اداره مال غیر یک استثناء و خلاف اصل کلی است، بدین ترتیب قلمرو و دامنه آن را نباید آنچنان وسیع دانست که زمینه مداخله غیر موجه در اموال دیگران فراهم شده و سوءاستفاده از چنین وضعیت‌هایی برای دیگران مهیا گردد که این امر به لحاظ عدالت حقوقی و مصالح اجتماعی جایز نیست. سابعاً: واژه

عنوان محسن بر او صادق است و سبیلی بر او نیست (بجنوردی، ۱۳۹۴: ۱/ ۳۳). در مواردی که تأخیر در تصرفات موجب ضرر مهم بر مالک گردد اعم از اینکه منشاء ضرر ناشی از تلف مال یا فوت منفعت باشد قاعده احسان حاکم است (باریلکو، ۱۳۹۳: ۲۴۰).

در حقوق انگلستان نگهداری اموال غیر نباید به منظور سود شخصی مستقیم یا غیر مستقیم مدیران مال غیر باشد بنابراین مدیران مال غیر باید تمام تلاش خود را برای به دست آوردن سود بیشتر به مالک مال مورد اداره به کار ببرند و در مدیریت خویش مرتکب تعدی و تفریط نشوند (Leonard, 2003: 22) آنچه مسلم است در صورتی که قاعده احسان شامل جلب منفعت نیز شود، لوازم غیر قابل قبول بر آن مترتب خواهد شد که از نظر فقهی و حقوقی پذیرش آن به هیچ وجه صحیح نیست. در حقوق کامن لا مدیر مال غیر (امین) ممکن است بخاطر ضرر مالی که او عاملش بوده و یا کمک به ایجاد ضرر نموده است در مقابل سازمان خیریه مسؤل باشد. دادگاه‌های انگلستان: الف) امین‌ها را در صورتی که صادقانه عمل کرده‌اند و حتی هیچ حق‌الزحمه‌ایی را دریافت نکرده‌اند را از مسؤلیت معاف می‌کند. ب) امین‌هایی که صادقانه عمل کرده، ولی بر اثر اشتباه مسؤلیتی را به بار آورده‌اند، به ندرت محکوم می‌نماید. ج) دادگاه نسبت به امین‌هایی که به صورت حرفه‌ای آموزش دیده‌اند، سختگیری بیشتری برای مسؤل دانستن آنها می‌کند. بنابراین در حقوق انگلستان هیچ حمایت قانونی برای امین‌هایی که غیر صادقانه، غیر مسؤله یا غیر محتاطانه عمل کرده‌اند وجود ندارد، اما ممکن است حمایت مالی برای افرادی که صادقانه عمل کرده، اما مرتکب اشتباه شده‌اند، وجود داشته باشد یا از طریق کمیسیون یا دادگاه از مسؤلیت معاف شود. (Kirkpatrick, 2015) 33 تعقیب قانونی امین‌هایی که در اداره اموال دیگران به خوبی عمل کرده‌اند امری است، قانون معمولاً از افراد امین با حسن نیت و صادق که مطابق وظایفشان عمل کرده‌اند حمایت می‌کند (Tyler, 2013: 2).

نظر باینکه رابطه‌ی بین مدیر و مالک رابطه‌ی نمایندگی قانونی است و مبنای این رابطه، امانی تلقی می‌گردد، بنابراین مدیر مال غیر امین تلقی می‌گردد و تنها در صورت تقصیر ضامن تلف یا نقص مال مورد اداره است. عدم مسؤلیت مدیر به این دلیل است که اولاً، تصرف مدیر به موجب قانون بوده لذا مدیر به منزله مالک است و همان طور که مالک، ضامن مال خود نیست، مدیر نیز در صورت عدم تقصیر ضامن نخواهد بود.

ضرر در ماده ۳۰۶ قانون مدنی، فقط ضرر مادی می‌تواند باشد؛ زیرا لفظ ضرر در ماده مذکور ناظر به ضرری است که مستقیماً و بلاواسطه از عدم دخالت یا تاخیر در دخالت مدیر حاصل می‌شود و هیچگاه عرف پذیرای این امر نمی‌باشد که اشخاص برای جلب منفعت مستقیم اشخاص دیگر در اموالشان تصرف نمایند و مبنای تصرفشان را قاعده احسان قرار دهند، مضافاً بر اینکه مفهوم ضرر با کسب منفعت دو مقوله جدا از هم هستند، به‌رغم اینکه ممکن است بعضاً در برخی خصوصیات شباهت‌هایی با هم داشته باشند.

به همین دلیل برخی از فقهای بزرگ همچون وحید بهبهانی جریان قاعده احسان را در موارد جلب منفعت نپذیرفته و آن را مختص به موارد دفع ضرر دانسته‌اند؛ زیرا در واقع زمانی که شخص محسن اقدام به دفع ضرر از اموال دیگران می‌نماید، حتماً جلب منفعتی نیز در آن نهفته است. بنابراین قاعده احسان زمانی مسقط ضمان است که مدیر فضولی در راستای اداره مال غیر، تنها به جهت دفع ضرر از مالک با وجود شرایطی که قانونگذار در باب مقررات عام و خاص اداره کننده ترتیب داده، انجام گرفته باشد و در واقع خروج قاعده احسان از قاعده علی-البد به طریق تخصص ظهور دارد. بدین ترتیب قاعده احسان فقط در موارد دفع ضرر است و در غیر این صورت چنانچه مدیر فضولی اقدام به جلب منفعت در اموال دیگران نماید، مشمول قاعده علی‌البد بوده و ید او مضمونه است.

بحث و نتیجه‌گیری

ماحصل تحلیل و یافته‌های این پژوهش بدین شرح است، تأسیس نهاد حقوقی اداره مال غیر در ماده ۳۰۶ قانون مدنی، ریشه در فقه اسلام داشته و استثنایی بر اصل استقلال اشخاص در آزادی مالکیت است. در حقوق کامن‌لا (انگلستان) نیز نهادی همانند اداره مال غیر وجود دارد، اما سیستم اداره آن به مراتب بهتر و روش‌مندتر از سیستم اداره مال غیر در حقوق ایران است. برای اجرای قواعد حاکم بر اداره فضولی مال غیر و مشروع ساختن تصرفات مدیر، قصد احسان لازم است و وجود همین قصد، چنین تصرفاتی از استیلا نامشروع خارج کرده و در زمره اعمال مباح قرار می‌دهد. رابطه مدیر با مالک براساس نظریه نمایندگی اضطراری شناخته شد. قاعده احسان به عنوان مبنا برای عدم ضمان بدون تقصیر شخص محسن قابل اعمال است و هیچ‌گاه نباید مبنا برای مجوز اداره مال غیر قرار گیرد، ماده ۳۰۶ قانون مدنی از مصادیق قاعده احسان نیست و صرفاً چنانچه با شرایط

مربوط خسارت به وجود آید، در اینجا احسان موجب اسقاط ضمان است. برای اعمال قاعده احسان وجود دو عنصر، قصد احسان و احسان واقعی همزمان لازم است. در قلمرو شمول قاعده احسان بر میزان مسئولیت مدیر فضولی مال غیر، بعضی از فقها و حقوقدانان بر این نظر بودند که احسان شامل دفع ضرر و جلب منفعت است و بعضی نیز فقط احسان را شامل دفع ضرر دانستند، اما نظری که با منطقی‌تر است، مصالح اجتماعی و آزادی مالکیت سازگاری داشته و همچنین برای جلوگیری از سوء استفاده دیگران، احسان فقط شامل دفع ضرر می‌گردد یا به عبارتی، همین که فعل عادتاً جلوگیری از ضرر کند احسان شکل می‌گیرد. در حقوق کامن‌لا مدیران مال غیر که با حسن نیت اقدام به اداره مال غیر جهت جلوگیری از ضرر نموده و بر اثر این‌اداره باعث خسارت بدون تقصیر گردیده‌اند، از مسئولیت معاف می‌گردند. لذا تعقیب قانونی امین‌هایی که صادقانه کارشان را انجام می‌دهند امری بسیار نادر است.

پیشنهاد می‌شود که قانونگذار ایران با اصلاح ماده ۳۰۶ قانونی مدنی یا تدوین قوانین مناسب قلمرو قاعده احسان (جلب منفعت یا دفع ضرر) را در مسقطات ضمان قهری به روشنی ترسیم نموده و این خلأ قانونی را پر نماید و همچنین قانونگذار ایران همانند حقوق کامن‌لا نهادی به صورت رسمی جهت اداره اموال دیگران، تأسیس نموده و مقرراتی در این باب وضع نموده تا در چارچوب قوانین آن مؤسسه به نگهداری اموال دیگران پرداخته و مسؤلیت‌ها و تعهدات ناشی از آن را به صورت روش‌مند کنترل نمایند.

منابع

- قرآن کریم.
- امامی، سید حسن (۱۳۹۰). *حقوق مدنی*. جلد اول. تهران: انتشارات اسلامی. چاپ سی و دوم.
- انصاری، شیخ مرتضی (۱۴۱۰هـ.ق). *المکاسب*. جلد دوم. بیروت: انتشارات مؤسسه النعمان.
- اصفهانی، محمد حسین (۱۳۸۲). *بحوث فی الفقه*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی. چاپ دوم.
- بیات، فرهاد؛ بیات، شیرین (۱۳۹۴). *شرح جامع قانون مدنی*. تهران: انتشارات ارشد. چاپ هشتم.
- باریلکو، علیرضا (۱۳۹۳). *مسئولیت مدنی*. تهران: انتشارات میزان. چاپ پنجم.
- تقی‌زاده، ابراهیم؛ هاشمی، سیداحمد علی (۱۳۹۳). *مسئولیت*

- مدنی. تهران: انتشارات پیام نور. چاپ پنجم.
- خمینی، سیدروح‌اله (۱۴۱۵هـ.ق). *کتاب البیع*. جلد دوم. قم: مؤسسه النشر الاسلامی. چاپ پنجم.
- خندانی، سید پدram (۱۳۹۵). «مطالعه تطبیقی امور دیگری در حقوق اروپا و ایران». *مجله مطالعات تطبیقی*، دوره ۷.
- خوئی، ابوالقاسم (۱۴۱۷ هـ. ق). *مصباح الفقاهه*. قم: انتشارات انصاریان.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۶۳). *حقوق تعهدات*. جلد اول. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- _____ (۱۳۹۱). *دائرة المعارف حقوق*. جلد اول. تهران: انتشارات گنج دانش. چاپ دوم.
- حیاتی، علی عباس (۱۳۸۰). «اداره فضولی اموال دیگری در حقوق مصر و فرانسه». *مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۳۷.
- داراب‌پور، مهرباب (۱۳۷۸). *مسئولیت‌های خارج از قرارداد*. تهران: انتشارات مجد. چاپ اول.
- ره‌پیک، حسن (۱۳۸۸). *حقوق مسئولیت مدنی و جبران‌ها*. تهران: انتشارات خرسندی. چاپ چهارم.
- رحمانی، محسن (۱۳۸۸). «بررسی تطبیقی قلمرو اداره مال غیر». *دانشنامه حقوق و سیاست*، شماره ۱۲.
- زراعت، عباس (۱۳۹۴). *قواعد فقه مدنی*. تهران: انتشارات جنگل. چاپ سوم.
- شهیدی، مهدی (۱۳۸۲). *آثار قراردادها و تعهدات*. تهران: انتشارات مجد. چاپ دوم.
- شفاعی، محسن (۱۳۲۵). *مجموعه قواعد فقه*. یزد: کتابخانه وزیری. چاپ اول.
- شیخ طوسی، ابی جعفر محمد (۱۴۰۹ هـ. ق). *المبسوط*. تهران: انتشارات حیدری.
- شیخ الاسلامی، سیدحسین (۱۳۷۲). *ترجمه غرر الحکم*. جلد اول. قم: چاپ نگین.
- صفایی، سیدحسین؛ رحیمی، حبیب‌اله (۱۳۹۱). *مسئولیت مدنی*. تهران: انتشارات سمت. چاپ چهارم.
- طاهری، حبیب‌اله (۱۴۱۸). *حقوق مدنی*. جلد دوم. قم: انتشارات اسلامی. چاپ دوم.
- طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۰۰ هـ. ق). *ملحقات عروه الوثقی*. جلد سوم. قم: مکتبه الوجدانی.
- _____ (۱۳۷۸). *حاشیه بر مکاسب*. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- طباطبایی، سیدحسین (۱۳۹۳). «قاعده احسان و مجرای آن در نظام حقوقی ایران». *مجله جستارهای فقه و حقوق*، شماره ۲.
۲. عدل، مصطفی (۱۳۴۶). *حقوق مدنی*. تهران: انتشارات امیرکبیر. چاپ هشتم.
- عباسلو، بختیار (۱۳۹۰). *مسئولیت مدنی*. تهران: انتشارات میزان. چاپ اول.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۹۳). *قواعد فقه*. جلد اول. تهران: انتشارات سمت. چاپ پنجم.
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۱۶ هـ. ق). *القواعد الفقهیه*. جلد اول. قم: انتشارات مهر. چاپ اول.
- قاسم‌زاده، مرتضی (۱۳۸۵). *مبانی مسئولیت مدنی*. قم: نشر میزان. چاپ دوم.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵). *وقایع حقوقی*. تهران: شرکت سهامی انتشار. چاپ دهم.
- _____ (۱۳۸۶). *الزامات خارج از قرارداد*. جلد دوم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. چاپ هشتم.
- لطفی، اسدالله (۱۳۸۳). *قواعد فقه مدنی*. همدان: انتشارات دانشگاه بوعلی سینا.
- مدنی، سیدجلال‌الدین (۱۳۸۳). *حقوق مدنی*. تهران: انتشارات پایدار. چاپ اول.
- میرزا قمی، ابوالقاسم (۱۳۲۴). *جامع الشتات*. جلد سوم. قم: مؤسسه آل‌البیت.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ هـ. ق). *بحار الانوار*. جلد دوم. بیروت: دارالحدیث التراث العربی.
- موسوی بجنوردی، سید میرزاحسن (۱۳۷۲). *القواعد الفقهیه*. جلد چهارم. قم: مؤسسه السماعیلیان.
- موسوی بجنوردی، سیدمحمد (۱۳۹۴). *قواعد فقهیه*. جلد اول. تهران: انتشارات مجد. چاپ پنجم.
- محقق داماد، مصطفی (۱۳۷۴). *قواعد فقه، بخش مدنی*. جلد دوم. تهران: انتشارات سمت. چاپ اول.
- محقق داماد، مصطفی؛ قنوتی، جلیل؛ وحدتی مبشیری، سیدحسین؛ عبدی‌پورفرد، ابراهیم (۱۳۹۳). *حقوق قراردادها در فقه امامیه*. جلد دوم. تهران: انتشارات سمت. چاپ سوم.
- مراغه‌ای، میرعبدالفتاح (۱۳۸۲). *عناوین در قواعد فقه*. جلد دوم. قم: مؤسسه النشر الاسلامی. چاپ اول.
- مصطفوی، سیدمحمدکاظم (۱۴۱۲ هـ. ق). *القواعد*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی. چاپ اول.
- محمدی، ابوالحسن (۱۳۹۴). *قواعد فقه*. تهران: نشر میزان.

- چاپ چهاردهم.
نظری، ایراندخت (۱۳۹۲). *الزامهای بدون قرارداد*. تهران: انتشارات مجد. چاپ اول.
- نراقی، احمد (۱۳۷۵). *عواذ/لا یام*. الطبعة الاولى. قم: مرکز نشر.
نجفی، محمدحسن (۱۳۶۵). *جواهر الکلام*. جلد بیست و دوم. قم: دارالکتب الاسلامیه.

- Andrew Studd; Russell Cooke; Sukanya Ransford (2010). *Trustees legal responsibilities and Liabilities*.
David Tyler (2013), *Trustee Liability guide*. chair of insurance working Group and sarahpayne solicitor at Bates & Braithwaite London LLP.
Julian Blake; Mary Groom (2015). *Duties of charity Trustees*
Josserand (1448). *Cours de droit civil positif*.
Philip Kirkpatrick (2015). *The essential Trustee: what you need to do, what you need to know*.
Thomas and Leonardj (2003). *Henzkejr*. Trusts common law and IRC 501(c) (3) and 4947sy ward L.
Virgo, Graham (1999). *The principles of the law of restitution*. 1st published, Greatbritain, oxford university press.

